

پزشکان می‌گویند دختر بچه خورnden تریاک جان باخته است مرگ مرموز ستاره کوچولو در آغوش مادر



گروه حوادث: مرگ مرموز دختر بچه ۴ ساله، مادر جوانش را در برابر اتهام خوردن تریاک به وی قرار داد. ستاره کوچولو وقتی با مادرش در خانه تنها بود ناگهان نیمه‌جان شد تا اینکه روی تخت درمان تسلیم مرگ شد. ساعت ۱۷ عصر یکشنبه ۷ تیرماه سال جاری، مسؤولان درمانگاهی در روهن پلیس را در جریان مرگ مرموز دختر بچه‌ای قرار دادند.

در این گزارش آمده بود که ستاره کوچولو نیمه‌جان به در مانگاه انتقال داده شده‌است و در معاینات پزشکی مایع سیاه رنگی از دهانش خارج شده که احتمال داده می‌شود تریاک سوخته بوده است. وقتی ماجرای مرگ ناخراش دختر بچه به بازرس شهرداری از شعبه هفتم دادسرای امور جنایی تهران مخایره شد، وی دستور بازداشت همراهان ستاره کوچولو که پدر و مادرش بودند را صادر کرد. این زن جوان که نوزادی را در آغوش داشت ابتدا ادعا کرد به خاطر اذیت‌های دختر بچه‌اش به وی مقداری تریاک خورداند تا آرام بگیرد اما وقتی پیش روی بازرس جنایی قرار گرفت، هر گونه دخالت در مرگ بچه‌اش را انذیرفت. مادر ستاره کوچولو، گفت: «بعداز ظهر بود که دیدم دخترم خیلی گریه می‌کند، سعی کردم آرامش کنم اما به خود می‌پیچید ابتدا با تصور اینکه گرسنه است مقداری غذا به ستاره دادم باز آرام نگرفت، دل درد شدیدی داشت برای اینکه درمان شود و گریه نکند مقداری شیر خشک به خوردش دادم. هنوز نیم ساعتی نگذشته بود که دیدم خوابیده است.» این زن افزود: «پای‌ سرش رفتیم تا بالشی زیر سرش بگذارم ناگهان دیدم رنگ پریده و بی‌حال است، به سختی نفس می‌کشید و دور دهانش مایع سیاهی دیده می‌شد وحشت‌زده با همسرم تماس گرفتم و خواستم سریع از سر کار به خانه‌مان در روهن بیاید. من و همسرم ستاره را به بومهن بردیم و به درمانگاه رساندیم. دخترم نه حرفی می‌زد و نه می‌خندید. بی‌جان روی دستمان بود، پزشکان وقتی ستاره را معاینه کردند با تکان دادن سرشان گفتند که کار از کار گذشته‌ است باور نمی‌کنم که ستاره دیگر در خانه‌مان نباشد.

در برابر این ادعاها پدر ستاره نیز خود را بی‌اطلاع نشان داد و گفت: «همسرم سابقه کتک زدن بچه‌ها را نیز ندارد و باور نمی‌کنم وی باعث مرگ دخترم شده باشد، مادر مهربانی است، در زمان حادثه من در خانه نبودم و می‌خواهم علت مرگ ستاره مشخص شود.» بازرس شهرداری در این مرحله با صدور قرار وثیقه برای مادر ستاره کوچولو، از متخصصان پزشکی خواست تا با آزمایشات سبب‌شناسی علت اصلی مرگ این دختر ۴ ساله را فاش کنند. بنابه گزارش خبرنگار جنایی «وطن‌امروز»، عامل تریاک خوردن ستاره مرگ ستاره کوچولو، صورت خوردن آن که مادرش می‌تواند باشد، با اتهام قتل بازداشت و محاکمه خواهد شد.

♦ ♦ ♦

انتقام‌گیری دوستان خیابانی دختری از پدرش

گروه حوادث: دوستان خیابانی یک دختر فراری که پدرش وی را به خانه بازگردانده بود به انتقام‌گیری عجیبی دست زدند. در این اقدام هولناک، پدر خانواده در حال بستن کرکره مغازمایش بود که با ضربه چاقوی عجمی به شک قلمی مرگ رفت. یک ماه پیش مردی با مراجعه به شعبه چوارم دادسرای امور جنایی تهران از دادیار رضوانفر سرنخش تا دختر فراری از خانه‌اش را پیدا کند. این مرد و همسرش که نگران بودند و گریه می‌کردند با ادعای اینکه دخترشان احتمالی نیست و تنها از طریق اینترنت با پسری آشنا شده و فریب خورده است، نخستین سرنخش را از اختیار تیم تحقیق قرار دادند. دادیار جنایی سرنخش از مأموران پلیس آگاهی‌ای قرار عمل کرد تا با ردیابی دوست اینترنتی دختر ۱۶ ساله پرده از سرنوشت وی بردارند. چند روزی طول نکشید که پسر جوانی بازداشت شد و پذیرفت از طریق چت با آرزو آشنا شده و این دختر با دعوت وی بر سر قرار آمده‌ است. گفت وقتی این دختر را دیدم بی بردم کم سن و سال است به خاطر همین تنها یک وعده غذا را با هم خوردیم و خواستم به خانه برگردد، وقتی دید من کاری با وی ندارم با دو تن از دوستانم خانه‌ام را ترک کرد و دوست اطلای از سرنوشتش ندارم. پلیس به ردیابی ۲ دوست این پسر جوان پرداخت و از آنان شنید چند شبی آرزو را خانه به خانه کرده‌اند و وی به یکی از شهرهای نزدیک به تهران رفته است. تحقیقات قدم به قدم تیم پلیسی و قضایی آنان را به پشت دیوار خانه‌ای رساند که آرزو در آن بود و این دختر بازداشت شد. دختر ۲۰ ساله وقتی پیش روی دادیار رضوانفر قرار گرفت، گفت: «پدر و مادرم به انزاسای من را محدود کرده بودند که تصور دانشم زندانی هستم، اجازه نداشتیم با دوستانم رفت و آمد کنم، تلفن‌هایم تحت نظر بود، اگر قرار بود به پارکی بروم حتماً خواهر یا برادرم با من بودند، دوستم همیشه مسخره‌ام می‌کردند تا اینکه پدرم رایانه خرید و من با پسری چت کرده و از خانه فراری شدم». وی افزود: «وقتی از خانه بیرون رفتم دیگر نتوانستم بازگردم، از گرسنگی تن به هر کاری مادم و برای اینکه شش‌ها را در خیابان‌ها نمانم هر دو تنی را پذیرفتم. پشیمان بودم اما مقصر را پدر و مادرم می‌دانم که باعث خانه‌گریزی من شدند.»

□ **انتقام‌گیری عجیب**

شامگاه جمعه ۵ تیرماه سال جاری پدر آرزو در حال پایین آوردن کرکره مغازمایش بود که از پشت مورد حمله قرار گرفت و باضربه چاقوی عمیقی روانه بیمارستان شد. پدر آرزو به کما رفته‌ است. دادیار رضوانفر با بیان این مطلب، گفت: «با توجه به تحقیقات ما به نظر می‌رسد دوستان خیابانی دخترش به انتقام‌گیری پرداخته‌اند که این موضوع تحت بررسی است.»

گروه حوادث: پسری ۲۰ ساله گرم کرد تا با ایفای نقش پدر عروس، وی را به عقد دوست صمیمی‌اش درآورد. خواستگار سمج وقتی دید خانواده دختر مورد علاقه‌اش اعتنایی به‌اصرارهای وی ندارند، شناسنامه دوستش را جعل کرد و به دفتر خانه ازدواج رفت.
اواخر خردادماه سال جاری، مردی هراسان به دادسرای امور جنایی تهران مراجعه کرد و خواستار ردیابی دختر گمشداهش و بازگرداندن وی به خانه‌اش شد. این مرد که نگران سرنوشت دخترش «رعنا» بود به دادیار سلیمانی از شعبه دوم دادسرا گفت: «از مدت‌ها پیش در جریان علاقه رعنا به پسر ۲۶ ساله‌ای که علی نام دارد، قرار گرفته‌ام. وی به خواستگاری دخترم نیز آمد که من نپذیرفتم.» پدر دختر ۲۰ ساله افزود: «علی خیلی سمج بود. بارها به در خانه‌ام آمد، متوجه شده بودم که رعنا علاقه زیادی به وی دارد اما این پسر را وجود داشتن کار که نصابزدگیگر خودرود بود در تحقیقاتم مورد تأیید قرار نگرفت. چندین بار دیگر به خواستگاری دخترم آمد که با پاکشاری رعنا راضی شدیم آن‌دو ازدواج کنند.» پدر

رعنا آهی کشید و گفت: «وقتی جواب مثبت دادیم، من که خیلی نگران آینده دخترم بودم باز دست‌بردار نبودم و با تحقیقات بیشتر یی بردم علی، دوستان ناب زیادی دارد و بارها در پاتوق‌های دوستانم معشاش دیده شده‌ است. خیلی با رعنا صحبت کردم تا راضی و بی‌خیال ازدواج با این پسر شود، اما نپذیرفتی و خودم به این نتیجه رسیدم که نباید آگاهانه دخترم را بدبخت کنم و در پیغامی به خواستگاری علی جواب منفی دادم. از همان روز به بعد، پیغام‌های تهدیدآمیز شروع شد. دخترم را می‌دیدم که مرتب گریه می‌کند و با من قهر است تا اینکه دیروز خانه‌مان را ترک کرد و دیگر برنگشت. وقتی لوازمش را جست‌وجو کردم، بی بردیم شناسنامه‌اش را نیز برده و احتمال می‌دهیم علی دخترم را

گروه حوادث: مرد خطرناک که پس از دو قتل مسلحانه از کانال کولر بازداشتگاه پلیس آگاهی تهران گریخته بود، برادر مردهاش را قاتل اصلی شناخت. این ششلول‌بند ۸ سال پیش با شلیک گلوله مرد موتورسواری را کشت، سپس با قتل برادر سرورش زندگی زیرزمینی‌ای را در شهرهای مرزی آغاز کرد. **تعمیق و گریز مرگبار**

۲۷بهمن‌ماه سال ۸۰ مأموران گشت کلاتری ۱۱۶ مولوی در میدان قیام به رفتارهای ۲ مرد جوان که در کنار بانک کمین کرده بودند، مشکوک شدند. رفتارهای ۲ مرد نشان می‌داد قصد سرقت کیف مردی را دارند که از بانک خارج شده و می‌خواست سوار بر خودرویش شود.

۲ مرد وقتی متوجه شدند مأموران پلیس آنها را تحت نظر گرفته‌اند، برای فرار از دام پلیس موتوسیکلتی که کنار خیابان پارک شده بود را دزدیده و اقدام به فرار کردند. مأموران پلیس با دیدن این صحنه به تعقیب آنها پرداخته‌اما هنوز مسافتی نرفته بودند که موتور پلیس واژگون شد. موتورسواری به نام «سعید حیدری» با دیدن این صحنه برای هواخواهی از پلیس، یکی از مأموران را سوار بر موتور خودش کرد و به تعقیب و گریززدان مسلح پرداخت. این تعقیب و گریز برای بازداشت ۲ دزد ادامه داشت تا جایی که ناگهان، ترکنشین موتور زندان اسلحه‌ای از کیفش درآورد و آن را به سمت جوان هواخواه پلیس نشانه گرفت و با شلیک ۴ گلوله به زندگی وی پایان داد.

پس از شلیک مرگبار، موتور قربانی (سعید حیدری) و مامور پلیس نقش زمین شد و ۲ دزد مسلح در یک چشم برهم زدن گریختند.

□ **قتل عام خانواده‌ی**

۱۳ شهریور سال ۸۱ مرد میانسالی هراسان با پلیس تماس گرفت و گفت: پسرم به نام علی، دزد مسلح و کیف‌قاپ است، وی تهدید کرده که خانواده خودش را با اسلحه قتل عام خواهد کرد. از سویی دیگر پسر دیگرم به نام حسین را سر به نیست کرده است. پس از تماس این مرد اکیبی از مأموران پلیس خانه‌ای در شهرک مسعودیه را به محاصره خود درآوردند و از ساکنان خواستند تا خود را تسلیم کنند. دقایقی بعد علی به همراه همسرش از خانه خارج شدند و خود را تحویل پلیس دادند. علی با پای گذاشتن به شعبه ویژه قتل وقتی کارآگاهان جنایی را روبروی خود دید سکوت مرموز خود در بیان جزئیات اقدامات جنایتکارانه‌اش را شکست و به قتل جوان سبچی و برادرش با شلیک گلوله اعتراف کرد.

□ **اعتراف به ۲ جنایت**

این مرد ۲۷ ساله به نام علی در بازجویی‌ها گفت: من و برادرم حسین از سال‌ها پیش با همدست یک‌دیگر وارد کارهای خلاف شدیم. خرج زندگی‌ام را با کیف‌قاپی و دزدی تاسمین می‌کردیم. وی ادامه داد: ۲۷ بهمن‌ماه سال گذشته (سال ۸۰) با برادرم در کمین مرد پولداری نشستیم بودیم تا کیفش را سرقت کنیم که پسر جوانی به نام سعید

حوادث

گریم ماهرانه دوست داماد برای نقش پدرعروس



شناسنامه جعلی پدرزن قلابی

اغفال کرده تا با او ازدواج کند. با ادعاهای این پدر، دادیار سلیمانی دستور ردیابی خواستگار سمج را صادر کرد. هیچ ردپایی از وی و رعنا در دست نبود و تحقیقات کارآگاهان نشان می‌داد که آن دو با هم هستند و زندگی

می‌کنند. با این وجود دادیار جنایی با استفاده از شگردهای قضایی و هدایت تیم پلیسی قدم به قدم به علی و رعنا نزدیک شد و هنوز دو هفته نگذشته بود که این تازه‌عروس و داماد در خانه بخت غافلگیر و دستگیر شدند.

□ **پدر زن قلابی**

علی وقتی خود را پیش روی تیم تحقیق دید با قیافه‌حق به جانبی ادعا کرد. دلیلی بر بازداشت نیست و وی با رعنا‌زن و شوهر قلوبونی هستند. شناسنامه‌های تازه‌عروس و داماد در اختیار دادیار جنایی قرار گرفت و آنان از دفترخانه رسمی مدرکی دیدند که نشان می‌داد رعنا با اجازه پدرش و با حضور وی در محضر به عقد علی درآمده است. این در حالی بود که پدر رعنا ادعا کرد هیچ‌گاه اجازه

داستان تازه قاتل ششلول‌بند

برای بی‌گناهی

حیدری در هواخواهی از پلیس به تعقیب و گریز ما پرداخت. در جریان این تعقیب و گریز با شلیک گلوله، جوان موتورسووار را کشتیم و همراه برادرم از دست مأموران فرار کردم.

وی افزود: پس از فرار به چند تلافروشی دستبرد زدیم اما سر تقسیم پول و طلاها با برادرم حسین درگیر شدم و نقشه قتل وی را طرح‌ای کردم.

وی درباره جزئیات قتل برادرش گفت: ۱۲ فروردین‌ماه سال ۸۱ برادرم را به پهنانه اینکه قصد سرقت از یک تلافروشی در شهرری را دارم، با خود به بیابان‌های اطراف شهرری بردم. داخل خودروی پراید حسین برادرم نشستیم بودیم که باز هم بر سر تقسیم پول و جواهرات و اختلاف‌مالی ما ی‌پیکدیگر درگیر شدیم و با شلیک گلوله وی را به قتل رساندم. سپس برای اینکه لو نروم جنازه‌اش را مثله کرده و در بیابان‌های اطراف شهرری رها کردم.

وی افزود: بعد از قتل، سواری پراید برادرم را با جعل سند فروختم. وقتی خانواده‌ام سراغ حسین را از من گرفتند ادعا کردم در جریان سرقت مسلحانه‌ای در کرمان دستگیر شده‌ است تا اینکه یک روز در درگیری با خواهرم ماجرای قتل حسین را فاش کردم و مدعی شدم که قصد قتل عام خانواده را دارم که پدرم مرا لو داد.

پس از اعترافات این قاتل خطرناک، مأموران به بازرسی از خانه این دزد مسلح پرداختند و از انجا اموال مسروقه، یک قبضه کلت کم‌ری به همراه ۵۷ فشنگ جنگی پیدا کردند.

□ **فرار از کانال کولر بازداشتگاه**

۲۵ تیرماه سال ۸۲ مرد خطرناک از زندان به دادگاه انتقال یافت تا در شعبه ۱۶۰۸ دادگاه جنایی تهران نزد قاضی همیار محاکمه شود.

وی از غفلت مأموران استفاده کرده و از کانال کولر بازداشتگاه اقدام به فرار کرد. با فرار قاتل خطرناک، تجسس‌های ویژه برای بازداشت وی آغاز شد تا اینکه چند ماه بعد وی در یکی از شهرهای مرزی کشور در حالی که قصد خرید یک اسلحه را داشت، بازداشت شد. وی به تهران انتقال یافت و پای میز محاکمه رفت. در جلسه دادگاه خانواده متهم از خون پسرانش گذشتند و رضایت دادند اما خانواده سعید (جوان موتورسووار) خواستار قصاص قاتل خطرناک شدند.

این دزد مسلح از سوی قاضی جنایی به اتهام قتل جوان موتورسووار به قصاص، به اتهام قتل برادرش از لحاظ جنبه عمومی جرم به ۱۰ سال زندان و به اتهام فرار از زندان و کیف‌قاپی به ۵ سال زندان و ۱۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

حکم صادره به تأیید قضات عالی کشور رسید و زمانی که این قاتل خطرناک در یک‌قدمی چوبه دار قرار گرفته بود نزد قاضی اجرای تازهای را مطرح کرد. وی مدعی شد که برادرش حسین جوان موتورسووار را به قتل رسانده است. پس از این ادعا پرنوده به دستور رئیس قوه قضائیه به شعبه ۱۱۵۶

۲ کشتی‌گیر و یک خواننده آماتور طراحان گروگانگیری عجیب بودند

تهیه فیلم سیاه در مخروبه وحشت

گروه حوادث: دو کشتی‌گیر و یک خواننده آماتور برای انتقام از مرد رستوران‌داری وی را ربودند.این سه جوان کینه‌جو، گروگان خود را به گله‌ای کشاندند و به تهیه فیلم سیاه از وی دست زدند.

اوایل خردادماه سال جاری، مرد ۳۲ ساله‌ای که خود را صاحب رستورانی در شه‌ریار معرفی می‌کرد با طرح شکایتی در دادسرای امور جنایی تهران، ادعا کرد از سوی سه دوست قدیمی ر بوده‌ است. این رستوران‌دار گفت: من با دوکشتی‌گیر و یک خواننده آماتور رایطه دوستی دارم که دیروز آنان با خودروی پژوی سفیدرنگ‌شان سراغم آمدند و خواستند همراهشان در خیابان‌ها چرخی بزнім. وی افزود: غافل از اینکه چه سرنوشتی در کمین من است سوار بر خودرویشان پا در دام گشتم. ابتدا رفتارها خیلی عجیب بود تا اینکه احساس کردم خیلی از شهر دور شده و داخل خرابوهایی بردند و به باد کتک گرفتند. نوک چاقو را روی پوست بدمن می‌کشیدند و شکنجه‌ام می‌دادند. همه لباس‌هایم را درآوردند و با موبایل‌هایشان از من در شرایط بدی فیلمبرداری کردند. یک ساعت در مخروبه اسیر بودم تا اینکه پس از تک خوردن‌های زیاد مرا سوار پژویشان کردند و تا جاده رساندند، سپس تهدید کردند اگر به دستوراتشان



حادثه‌ها

آزادی گروگان

با امضای ۸۰ برگه سفید



گروه حوادث: ربانندگان مریدی با گرفتن امضا در ۸۰ برگه سفید، وی را آزاد کردند و پیش از هرگونه برداشتی در دام پلیس پایتخت گرفتار شدند.
گروگان‌گیران ابتدا خود را مأمور امنیتی معرفی کردند و در برابر حیرت همسایه‌های طعمه خود، وی را داخل خودرو انداخته و با سرعت گریختند. ساعت ۱۸ روز ۲۴ اسفندماه سال ۸۷ مأموران در جریان آدم‌ربایی‌ای در خیابان شهیدقربنی به نام «حمید» را با کتک زنن ربوده‌اند. وقتی مأموران ادره ۷ پلیس آگاهی تهران وارد عمل شدند، هنوز کلید عملیات تحقیقی، زده نشده‌بود که حمید، ۲۴ساعت بعد با پای خود نزد آنان رفت و ادعا کرد ۸۰ برگه چک سفید

را با چشمان بسته امضا و اثر انگشت زده است. گروگان گفت: سه مرد خود را مأموران یکی از سازمان‌های امنیتی معرفی کردند.وقتی به حکم جلب آنان از تأییه‌ای به من نشان دادند، شک کردم و سوالاتی پرسیدم مرا در برابر خانه‌ام کتک زدند و وقتی همسایه‌ها به هواخواهی‌ام آمدند، مرا داخل پراید انداختند و با بستن دست و پاهایم کتف خودرو خواباندند. تا ساعت ۲ نیمه‌شب در همان حالت بودم، وقتی پرسیدیم چرا مرا به اتاق بازجویی نمی‌برند، گفتند که یکسری تعهدات است که باید امضا کنی؟! و در حالی که چشممان بسته بود، دست‌هایم را باز کردند و

۸۰ برگه را به امضا و اثرانگشت من رساندند سپس مرا با یک کارت تلفن در تهرانپارس رها کرده و گریختند. وقتی کارآگاهان به بازجویی از این مرد پرداختند به اختلافی برخوردند که در آن مرد ۴۴ ساله‌ای با نام حسین، می‌توانست انگیزه‌ای در گروگانگیری داشته باشد. این مظنون تحت نظر گرفته شد تا اینکه پلیس توانست محمد ۲۵ ساله و احمد ۲۳ ساله را نیز ردیابی کند. اواخر خردادماه بود که نه‌تنها این دو بلکه دو همدست دیگرشان به نام‌های عباس و بهروز نیز در تهرانسر و معاونت به دم افتادند و پذیرفتند از سوی حسین اجیر شده بودند تا دست به آدم‌ربایی بزنند. بنا به گزارش خبرنگار جنایی «وطن امروز» تحقیقات نشان داده‌ است که ۸۰ برگه امضا شده، اسناد و سفته بودند که در خانه یکی از آدم‌رها جاسازی شده بود.

♦ ♦ ♦

مرگ ۳ مرد در گازگرفتگی

گروه حوادث: گازگرفتگی در داخل چاهی در آبادان، مرگ ۲ کارگر شرکت آب و فاضلاب و مرد جوانی را رقم زد.
صبح ۶ تیرماه سال جاری یک کارگر شرکت آب و فاضلاب آبادان برای تعمیر تلمبه‌خانه به داخل چاهی در منطقه ۷۰۰ دستگاه آبادان رفت، اما وقتی غیبش طولانی‌شد، جهانگیر، کارگر دیگر این شرکت برای نجات دوست و همکارش وارد چاه شد. اما شاهدان با غیبت طولانی وی نیز روبه‌رو شدند. این بار یکی از اهالی منطقه به درون چاه رفت ولی باز خبری از آنها نشد. به همین خاطر تیمی از گروه امداد وارد چاه شد که با اجساد آنها که بر اثر گازگرفتگی جان باخته بودند، مواجه شد که به سرعت آنها را از داخل چاه بیرون آوردند.

♦ ♦ ♦

فرار همسر مرد نمایشگاه‌دار در پرونده گمشدن شوهرش

گروه حوادث: فرار همسر یک مرد نمایشگاه‌دار که به طرز مرموزی ناپدید شده است، سرنخش تازه‌ای پیشی روی دادیار جنایی پایتخت قرار داد. این زن در حالی با فرار به مشهد خود را پنهان کرده است که هنوز سرنوشت شوهرش در سال‌های از لپهام قرار دارد. از ساعت ۱۲ ظهر ۱۶بهمن‌ماه سال ۸۷، مرد ۳۸ ساله‌ای به نام مهدی ناپدید شد و همسر ۳۰ ساله‌اش ادعا کرد آخرین بار وی وقتی برای خرید گوشت به قصابی رفته بود، با خانه تماس گرفته است. این زن در ادعای دیگری گفت که شب نخست ناپدید شدن همسرش، مردی غریبه با استفاده از موبایل مهدی به خانه زنگ زده و گفته است که من تلفن همراه مرد مستی تماس می‌گیرد که در خانه زنی میهمان است.

هنوز هیچ ردپایی از این مرد نمایشگاه‌دار به دست نیامده بود که خانواده مهدی در مراجعه به دادیار رضوانفر ادعا کردند از مدت‌ها پیش چون این مرد می‌خواست به زن دیگری ازدواج کند، اختلاف زیادی با همسرش داشته و تصور دارند عروس آنها با شریک مهدی در نمایشگاه خودرو در قتل وی همدستی داشته‌ است.

با این فرضیه، کارآگاهان شریک مهدی را بازداشت کردند و همسرش نیز احضار شد که دوست مهدی در دخالت در هر گونه توطئه برای شریکش را نپذیرفت و ادعا کرد هیچ رابطه‌ای با همسر وی نیز نداشته است. همزمان با انکارهای این مرد، همسر مهدی به مشهد گریخت و ردپایی از مرد دیگری در زندگی این زوج به دست آمد.

♦ ♦ ♦

بازی مرگبار ۲ خواهر با اسلحه

دختر نوجوان هنگام بازی با اسلحه خواهرش را به کام مرگ فرود برد. به گزارش پلیس، به دنبال تماس تلفنی یک مادر داغدار با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر اینکه ۲ دخترش در حال بازی با اسلحه کلت کم‌ری بودند که یکی از آنها خواهرش را به نام شیدا مورد اصابت قرار داده، مأموران بلافاصله وارد عمل شدند. بر پایه این خبر، مأموران انتظامی بخش رومشگان، ساعت ۱۷:۵۵ فریاد هفتم خردادماه در محل حاضر و با یک زن ۱۲ ساله‌ای به نام «شیدا» که به وسیله اسلحه به قتل رسیده بود، روبه‌رو شدند. با بررسی‌های به عمل آمده شیدا و مونا در حال بازی با اسلحه کلت کم‌ری دست‌ساز بودند که ناگهان «مونا» با کشیدن ماشه اسلحه به‌طور ناخواسته مرگ خواهرش را رقم زد.

مردنایمشده